

# گزارش یک دیدار کوتاه فرهنگی از هامبورگ و برلین

---

غلامرضا جلالی

---

بنیاد پژوهش‌های اسلامی

---

گروه تراجم و انساب

---

کشید. در طول سفر با یک دانشجوی جوان ایرانی به نام محسن طباطبایی آشنا و هم‌سخن شدم. او در یک شهر دانشگاهی در مرز آلمان به تحصیل مشغول بود. صحبت ما دو نفر به درازا کشید و من از راه این گفت و گو چیزهای زیادی درباره آلمان و ایرانیان مقیم این کشور آموختم. ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر به وقت ایران، به شهر هامبورگ رسیدیم. شهر مه‌آلود بود و ابرهای ضخیمی جای جای فضای شهر را پوشانده بودند. جنگلهای سرسبز، آبگیرها و چمنزارهای بی‌پایان، چشم انداز زیبایی را به وجود آورده بودند. باورم نمی‌شد که طبیعت آلمان این همه زیبا و ستودنی باشد. خانه‌های ویلایی با رنگهای آرام و دلنشین میان درختان پراکنده شده بود. هواپیما روی باندهای فرودگاه هامبورگ نشست. کنترل گذرنامه چندان به طول نینجامید. دکتر امیریان، مسئول مرکز اسلامی هامبورگ و مهندس خادم الشریعه منتظرم بودند. من همراه آقای خادم الشریعه که هم‌اکنون از مسئولان مرکز اسلامی - فرهنگی ایرانیان در برلین است، عازم مرکز اسلامی هامبورگ شدم. خیابانها با پهناهای نه چندان زیاد، ولی بسیار متنوع و با برنامه‌ریزی و مهندسی شهری حیرت‌آور در کنار هم و بدون داشتن بار ترافیک

روز یکشنبه ۸۲/۱۱/۲۲ پس از گذراندن تشریفات گمرکی و کنترل گذرنامه ساعت ۱۰ صبح به منظور گرامیداشت عاشورا و سخنرانی درباره فرهنگ‌سازی نهضت حسینی عازم هامبورگ شدم. پرواز ما ۵/۳۰ ساعت طول

#### مرکز اسلامی هامبورگ

بلکه ناخودآگاه آنها پی ببرد و بفهمد آنها تا چه اندازه به وحدت نظر دست یافته‌اند و چقدر یکدیگر را پذیرفته‌اند و با هم کمتر مشکل دارند و در سایه همین همراهیها به حس مسئولیت و قناعت دست یافته‌اند.

قناعت آنها را می‌توان از حفظ معماری تاریخی شهر و استواری بناها فهمید. ساختمانهای زیادی در همه شهرهای آلمان به ویژه هامبورگ و برلین وجود دارد که تاریخ آنها دست کم به پیش از جنگ جهانی دوم می‌رسد.

و دست‌انداز، و بوق ماشین و آلودگی صوتی طراحی شده بودند. تجربه‌ای که نظیر آن را به نوعی در سنگاپور دیده بودم، با این تفاوت که ساختمانهای مسکونی و حتی تجاری آلمان حداکثر شش طبقه و به لحاظ معماری بسیار سستی و یکدست هستند و نمای ساختمانها همخوانی غریبی دارند. انسان گمان می‌برد که همه آنها را یک معمار ساخته است. انسان از تأمل در سبک معماری آلمانی همانند هر جای دیگر به خوبی می‌تواند نه تنها به ضمیر آگاه،

آنها پس از شکست در جنگ دوم جهانی سعی کردند بار دیگر کشور خود را بسازند و نگذاشتند چهره یکدست شهرها آسیب ببیند.

به نظر می‌رسد قناعت آنها ریشه در حس مسئولیتشان دارد. آنها این حس را از خودباوری به دست آورده‌اند. مسئولیت‌پذیری آلمانیها از نخستین چیزهایی است که هر تازه واردی آن را درک می‌کند.

شهروندان برای کمترین تعمیرات بنا به مجوز شهرداری نیاز دارند و شهرداریها بناهای متروک شهر را در اختیار خود می‌گیرند.

### مرکز اسلامی هامبورگ

آقای خادم الشریعه مرا به مرکز اسلامی هامبورگ می‌رساند؛ جایی که در یکی از بهترین نقاط هامبورگ و در کنار دریاچه بسیار زیبای آلسته، به دستور مرحوم آیه الله العظمی بروجردی خریداری شد و نماینده ایشان مرحوم محقق چندی در خدمت این کار بود و بعدها آیه الله شهید دکتر بهشتی این مأموریت را به انجام رساند.

پس از پارک ماشین به دنبال مهندس خادم الشریعه وارد آکادمی اسلامی آلمان شدیم. ساختمان آکادمی در پشت مسجد هامبورگ و در

سال ۱۳۷۸ش / ۲۰۰۰م به منظور برگزاری دوره‌های آموزش در رشته‌های مختلف اسلامی و پژوهش در زمینه‌های مورد نیاز و نشر کتابهای علمی و اسلامی، توسعه ارتباط علمی بین ادیان و مذاهب و معرفی اسلام و اندیشه‌های اسلامی به وجود آمده است. مدیر آکادمی اسلامی توسط هیأت امانا انتخاب می‌شود و ۲۰ نفر عضو هیأت علمی آن هستند.

در زمینه آموزش، آکادمی در دو سطح عمومی و تخصصی فعالیت دارد. قرآن‌شناسی و تفسیر، تاریخ اسلام، فقه، حدیث، حقوق اسلامی، فلسفه اسلامی، عرفان و اخلاق، روان‌شناسی و مسائل تربیتی، کلام و الهیات، جامعه‌شناسی، ادیان و آشنایی با کشورهای اسلامی از موضوعات درسی هر دو سطح است. در حال حاضر آکادمی دارای کتابخانه تخصصی می‌باشد و بیش از ده هزار جلد کتاب به زبانهای فارسی، عربی، ترکی، آلمانی و انگلیسی در آن موجود است. گنجینه ارزشمند مرحوم پروفیسور فلاطوری که خود زمانی از تحصیل‌کردگان حوزه علمیه خراسان بود، شامل کتابها و پژوهشهای ایشان در آرشیو این کتابخانه نگهداری می‌شود.

از برنامه‌های دیگر آکادمی اسلامی آلمان نظرسنجی و پژوهش در زمینه مسائل اجتماعی

مسلمانان آلمان، همکاری با دانشگاهها و مؤسسات علمی، مساعدت با دانشجویان در انجام پژوهش درباره مسائل اسلام، بررسی سؤالات پیرامون اسلام و پاسخ به آنها و اطلاع‌رسانی در این زمینه، برگزاری سمینارهای علمی و جلسات بحث و گفت و گو بین ادیان و تشکیل کلاسها و سمینارهای آموزشی برای معلمان دینی مدارس آلمان است. مسئولیت این آکادمی به عهده حجة الاسلام والمسلمین نوربخش می‌باشد. ایشان سه جلد مجموعه مقالات مرحوم پروفسور فلاطوری را از سوی مسجد هامبورگ به چاپ رسانده است.

### مسجد هامبورگ

معماری داخلی مسجد هامبورگ بسیار ابداعی و کم مانند است. من مشابه آن را در هیچ جا ندیده‌ام. گنبد و پایه‌های بتونی مسجد پس از گذشت نیم قرن بدون کوچک‌ترین آسیب پایدار مانده‌اند. این مسجد روزانه محل نمازگزاران و کنفرانس گروههای دینی زیادی است. قدمت مسجد و زیبایی معماری آن سبب شده است تا شهرداری این مسجد را به عنوان یک نقطه زیبا و دیدنی و توریستی معرفی کند و همه روزه

صدها نفر از این مرکز به دلیل مقاصد توریستی بازدید می‌کنند. مدارس، دبیرستانها، کالجها و دانشگاههای آلمان برای آشنایی محصلان و دانش‌آموختگان خود با تفکرات شیعه و مسلمانان، آنها را به این مرکز می‌آورند و گردانندگان این مرکز با سخنرانیهای خود به زبانهای ترکی، آلمانی و عربی و گاهی نیز فارسی، بازدیدکنندگان را با مبانی تفکرات شیعی آشنا می‌سازند.

در یکی دو سال اخیر آقای مشکوتی یکی از اساتید کاشیکاری گوهرشاد، کاشیکاری معرق بسیار زیبا و ظریفی در محراب و پیرامون پایه گنبد از داخل انجام داده است.

### به سوی برلین

پس از بازدید از مسجد هامبورگ همراه مهندس خادم الشریعه به سمت برلین حرکت کردیم. از هامبورگ تا برلین بیش از ۲۷۰ کیلومتر مسافت در پیش داشتیم و من به رغم خستگی راه و کم‌خوابی‌ها، مشتاقانه از اطلاعات آقای خادم استفاده می‌کردم.

در مسیر برلین یکی از زیباییهای طبیعی که توجه هر بیننده را به خود جلب می‌کند، درختان بی‌شمار جنگلی، چمنزارهای وسیع، پرندگان

#### مرکز اسلامی هامبورگ

قوش و شکاری و آهوهای بی‌شماری است که گله‌گله در دور و نزدیک جاده در حال چریدن یا دویدن هستند. ساعت نزدیک شش بود که به برلین رسیدیم. برلین از کلمه Bier به معنای خرس گرفته شده، چون زمانی خرسهای زیادی در جنگلهای اطراف آن زندگی می‌کردند و هم اکنون نشان خرس، علامت برلین است و بر تمام خروجیها و ورودیهای آن مجسمه خرسی را می‌توان دید. این شهر در جریان جنگ دوم به دو بخش تقسیم شد و اخیراً هر دو یکی شدند. ابتدا ما از بخش شرقی آن گذشتیم و به مرکز اسلامی - فرهنگی ایرانیان مقیم برلین رفتیم. این مرکز که در محوطه‌ای با بیش از یک هزار متر مساحت قرار دارد، در دو طبقه ساخته شده است. در طبقه پایین دفتر کار، کتابخانه و کلاسها و در طبقه فوقانی فضای وسیعی برای گردهماییها در نظر گرفته شده است. ایرانیان تا دو سال پیش برای مراسم دینی و شخصی خود محلی را در برلین در اختیار نداشتند و برای این اهداف از مسجد

شیعیان ترکیه استفاده می‌کردند، ولی با خرید این محل، مرکز اسلامی رسمیت یافته و تنها جایی است که در برلین چندین هزار ایرانی با آن مرتبط هستند و افرادی که عروسی دارند یا تعزیت یا از سفر حج بازگشته‌اند و مردم برای بازدید آنها آمد و شد می‌کنند، از این مرکز بهره می‌گیرند. بچه‌ها و جوانان و زنان چه برای آموزش زبان آلمانی یا برای آموزشهای دینی یا زبان فارسی و یا آشنایی با هنرها با این مرکز در ارتباط هستند. لبنانیها، افغانیها، ترکهای ترکیه و جمهوری آذربایجان و نیز عراقیها و مسلمانان آلمانی نژاد، به این مرکز آمد و شد دارند و عقد شرعی زوجهای جوان، یا میانسال در این مرکز منعقد می‌شود. این محل پس از مرکز اسلامی هامبورگ، دومین مرکزی است که از نظر سفارت ایران حق اجرای عقد شرعی را دارد.

وقتی به مرکز اسلامی رسیدیم، آقای خادم کلید اتاقی را که قفسه‌های چوبی کتاب کنار دیوارهای آن نصب شده بود و چند صندلی و میز داشت در اختیارم قرار داد. وجود یک فرش خوش طرح قدیمی ایرانی در وسط این اتاق، از همان ابتدا علاقه مرا برای استفاده از آن افزود. بیشتر کتابهای این اتاق از انتشارات مؤسسه اطلاعات، سروش، کیهان، وزارت امور

خارجه، پژوهشگاه وابسته به حوزه هنری و چند ناشر دیگر بود. از همان ابتدا به ذهنم رسید اگر مسئولان این مرکز نامه رسمی به معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس بنویسد، من خواهم کوشید تعداد زیادی کتاب به طور اهدایی از این معاونت گرفته، به آلمان بفرستم. کاری که درباره مسجد عباسقلی خان زنجان، لشکر پنج نصر مشهد، کتابخانه روستای بلیان کازرون و این اواخر برای کتابخانه سید بابای مسجد جامع پری انجام دادم.

شب فرا رسید و من پس از گرفتن وضو به طبقه بالا رفتم. بعد از نماز جماعت به تدریج بر تعداد جمعیت افزوده شد. ابتدا زیارت عاشورا، سپس اجرای دکلمه‌ای توسط یک جوان و بعد من سخنرانی کردم. موضوع سخنرانی «عناصر فرهنگ‌ساز و نقش امام حسین علیه السلام در بازآفرینی فرهنگ شیعی - ایرانی» بود. بیشتر مخاطبان افراد تحصیل کرده و تعداد قابل توجهی پزشک، مهندس و استاد دانشگاه بودند. دکتر محمد رجبی رایزن جمهوری اسلامی ایران در برلین و آقای خلیلی از مسئولان سفارتخانه ایران و همه معاونان این سفارت در جلسه حضور داشتند. در میان زنان نیز وضع از همین قرار بود و تعداد قابل توجهی از زنان آلمانی بودند. چند

زن و مرد عرب به ویژه لبنانی نیز با دقت به سخنرانی گوش می‌دادند.

فردای آن روز با ماشین رایزنی و همراه دکتر رستگارفر، از کارمندان رایزنی به ساختمان قدیم و جدید رایزنی ایران رفتیم.

ساختمان جدید رایزنی که ساختمانی قدیمی و در عین حال بسیار زیباست، طبقه زیر شیروانی آن به مسجد و اقامه نماز اختصاص داده شده است. آلمانیها چندین سبک معماری بیش ندارند، ولی همان چند سبک را بسیار جدی گرفته‌اند و در این سبکها به رغم گذر زمان تغییر روا نمی‌دارند.

بعد از ظهر با ماشین رایزنی فرهنگی به مرکز اسلامی برگشتم و از ساعت شش بعد از ظهر برای اقامه نماز جماعت و سخنرانی خود را مهیا نمودم. برنامه‌ای که تا پایان سفر ادامه یافت.

پس از اجرای برنامه سخنرانی بار دیگر افرادی که عموماً پزشک و متخصص بودند مراجعه کرده، برای شنیدن بخشهای دیگر سخنرانی اظهار اشتیاق می‌نمودند. در این سخنرانیها مخاطبان به لحاظ ملیت بیشتر ایرانی و تعدادی آلمانی، ترک، افغانی، عراقی و لبنانی بودند، که وجه اشتراک همه آنها باور به تشیع بود.

چندین نوبت خبرگزاری ایرنا در برلین برگزاری این جلسات را به همه خبرگزاریها تلکس زد. در گزارش ۸۲/۱۲/۶ به نقل از سخنرانی نگارنده آمده بود:

«اصلاح مفاهیم دینی و واژگان اسلامی یکی از اصلی‌ترین محورهای قیام عاشورا می‌باشد. وی سه شنبه شب در تبیین ماهیت قیام امام حسین علیه السلام افزود: در حال حاضر نیز عاشورا در همه اعصار و دوران و به ویژه عصر کنونی مولد فرهنگ پویای دینی در جوامع اسلامی است.»

شب شنبه که شب هفتم محرم بود، جمعیت زیادی از زن و مرد و پیر و جوان، ایرانی، افغانی، عراقی، لبنانی، آلمانی و ترک در مجلس حضور داشتند. سفیر مختار افغانستان نیز به همراه معاونان خود به ما پیوست و دکتر رجبی رایزن جمهوری اسلامی و نیز آقای خلیلی مدیر داخلی سفارتخانه و نیز سرکنسول جمهوری اسلامی و سیروس ایزدی مترجم و نویسنده قدیمی ایرانی که چندین دهه است در بلوک شرق و برلین زندگی می‌کند و به چندین زبان زنده دنیا آشنایی کامل دارد، همه حضور داشتند.

پس از زیارت عاشورا درباره چگونگی شدن اسلامی بحث کردیم و قرار شد شب بعد درباره مدینه نبوی به عنوان جامعه الگو سخنرانی کنم.

در مجلس، زنان حضور فعال‌تری دارند و همه نسبت به ساحت مقدس مولا ابا عبدالله عشق می‌ورزند و این شوریدگی را با گریه‌ها، لباس سیاه، پذیرایی و پخت و پز نشان می‌دهند. این از کرامت‌های عاشورای حسینی است که این چنین قلبها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. جوانان بسیار عاشقانه سینه می‌زنند و پس از پایان مراسم تعدادی از آنها دور من جمع می‌شوند و هر کدام پرسشی را مطرح می‌کنند.

روز شنبه و یکشنبه روزهای تعطیلی اتحادیه اروپا است. سفارت ایران نیز روز جمعه فعال و در این دو روز تعطیل است.

روز شنبه به کلیسای «Kaiser - Wilhelm Gedachtniskirche» که در سال ۱۹۴۳ م بمباران شده و با همان وضعیت تخریب شده به عنوان سمبل شهر برلین نگهداری می‌شود، سری زدم. در میدان الکساندر پلتس (قصرهای الکساندر) بجز کلیسای ۲۸۰ متری تلویزیون برلین و پیکره ویلهلم که بر اسبی سوار شده و ساختمان شهرداری مرکزی برلین، بناهای تاریخی زیادی با مختصات معماری یونانی و رومی چشم هر بیننده‌ای را به خود می‌کشد. در همین روز از برج تلویزیون که بام شهر

برلین است فراز آمده، همه شهر را می‌بینم. از آن بالا، شهر با همه شکوه خود تا افقهای دوردست گسترده شده و رودخانه اشپری از لابلای شهر همانند کانالهای زیبای دیگر به طور ماریچ و به آرامی عبور می‌کند و دهها قایق و کشتی مسافربری بر روی آب در تکاپو هستند.

در مرز دو برلین هنوز بقایای دیوار برلین و یک ایستگاه بازرسی به چشم می‌خورد؛ با تصویری از یک سرباز آلمانی که بر فراز پاسگاه مرزی به طور نمادین نصب شده است.

ساعت یک ربع به پنج خودم را به مرکز اسلامی - فرهنگی ایرانیان می‌رسانم. با ماشین یکی از کارمندان ترک سفارت ایران به مرکز اسلامی امام رضا علیه السلام که در سال ۱۹۹۳ م توسط گروهی از شیعیان ترکیه راه‌اندازی شده و به تدریج توسعه یافته است، می‌رویم. شیخ صباح الدین ترک یلماز خوجه شیعه‌های ترکیه با مهربانی از ما پذیرایی می‌کند و ایشان می‌گوید: ما سایت اینترنتی راه‌اندازی کرده‌ایم و ماهیانه دو میزگرد و بحث آزاد داریم و زبان ترکی را به کودکان خود در این مرکز آموزش می‌دهیم.

برگزاری نماز جماعت، نماز جمعه، نمازهای عید فطر و قربان و نیز مراسم ازدواج و طلاق، تشییع و تدفین، سازماندهی سفرهای زیارتی به



مکه، عتبات و مشهد و برنامه‌های درسی و اخلاقی نیز در شمار برنامه‌های این مرکز فرهنگی است. در برلین شیعه‌های ترکیه بجز این مسجد، مسجد امام صادق علیه السلام را نیز در اختیار دارند.

پس از ساعتی هم صحبت شدن با شیخ صباح الدین به مرکز اسلامی ایرانیان برمی‌گردم. در جلسه سخنرانی جمعیت زیادی شرکت کرده‌اند. تعداد حاضران به طور قطع از مرز هفتصد نفر می‌گذرد، از چندین ملیت با چندین عقیده و تفکر. رایزن و سفیر جمهوری اسلامی، سفیر افغانستان، پزشکان و فعالان سیاسی و فرهنگی ایران و چند کشور دیگر در میان جمعیت هستند.

موضوع سخنرانی من «چگونگی شدن اسلامی» است و تفاوتی که این شدن با شدن‌های دیگر دارد و ضرورت اینکه در هر شدنی الگو و مدل لازم است و اینکه ما بجز الگوهای فردی الگوهای اجتماعی نیز داریم و اینکه در قرآن دست کم دو تمدن یعنی مصر و بین النهرین به دلیل داشتن حکمرانان فاسد و قدرتهای طاغی و سه مدینه رذیله دیگر مردود شناخته شده‌اند؛ تمدن سبا به واسطه اهمال کاری مردم و تمدن نوح به دلیل بی‌ایمانی

آنان و تمدن لوط به دلیل فساد اخلاقی شان و اینکه در کنار این مدینه‌های رذیله، اسلام در مقام تأسیس مدینه فاضله نبوی است.

پس از عزاداری، وقت صرف شام معلوم شد. دست کم هشت نفر پلیس زن و مرد به مرکز آمده و یادآور شده‌اند که این سر و صداها برای چیست و اگر تکرار شود، مرکز را خواهیم بست.

### گزارش کوتاهی از موزه‌های آلمان

صبح روز یکشنبه همراه آقای طریقت از کارمندان رایزنی به موزه دالم می‌رویم. این موزه یکی از دوست موزه برلین است و خود بخشهای مختلفی دارد. هر بخشی به کشور و تمدنی اختصاص داده شده است. از تمدنهای جنوب شرق آسیا گرفته تا چین، ژاپن، هند، اسکیموها، سرخ‌پوستان آمریکای شمالی تا آمریکای لاتین و قوم مایا با آن سنگهای حجیم زیگورات‌ها، نقاشیهای دل‌انگیز و مجسمه‌های ریز و درشت طلایی و سفال و دستبافتهای قومیت‌های از یاد رفته که از پوست و استخوان و عاج ساخته شده و قایقها، حتی یک اتاق چینی با همان سادگی و فضای دل‌انگیز و یک معبد کهن سرخپوستی با همان سقف نقاشی شده و دیوارهای پر نقش و نگار همراه بیوگرافی

عکس پایه‌گذاران اصلی موزه در سالنهای بی‌پایان این موزه خود نمایی می‌کند و با تأسف تنها یک سالن کوچک آن هم در زیرزمینی و تابلوی که تهران امروز را به زبان فارسی در خود منعکس کرده، به ایران اختصاص یافته است. عنوان تابلو تنها عنوان فارسی و تنها زبان غیر آلمانی است که در همه موزه وجود دارد، و به رغم عنوان «ایران امروز»، عکس ناصرالدین شاه با همان سیلپهای از بناگوش در رفته و چهره خینگ، و تعداد زیادی از عکسهای دوره مشروطه با لباسهای ژنده و درویشهای بدریخت و صنایع دستی بسیار کم ارزش و غیر هنری و نه چندان ارزشمند با گونه‌هایی از لباسها و پالتوهای فرسوده هزار تکه و وصله‌دار، در این بخش خودنمایی می‌کند و به هیچ وجه قابل مقایسه حتی با یکی از سالنهای کوچک یکی از کشورهای آسیایی نیست. جای تعجب است چرا با سوابق درخشان، ایران این گونه سخیف و کم‌بها نمایش داده شده است؟

از ابتکارات این موزه ویتترینهای یک دست با شیشه‌های شفاف سکوریت و موانع الکتریکی است که به صرف کوچک‌ترین خطا بوقهای خطر را به صدا در می‌آورند. هر بازدیدکننده‌ای می‌تواند از همان ابتدا با دریافت گوشی و یک

دستگاه پخش با زدن کد یکی از اشیای موزه‌ای توضیح مربوط به آن را بشنود. در جای جای موزه اتاقهای ویژه پخش فیلمهای ویدیویی از سرزمینهای باستانی و نیز سکوهای استفاده از رایانه‌های مربوط به موزه وجود دارد و به همین دلیل هیچ یک از موزه‌ها راهنما ندارند، فقط هر سالنی را نگهبانی می‌پاید و از نزدیک شدن افراد به ویژه بچه‌ها به ویتترینها جلوگیری می‌کند. افراد بازدیدکننده موظف هستند ساک دستی، پالتو و چتر و کلاه خود را همان ابتدا در محل نگهداری اشیا بسپارند و شماره‌ای دریافت کنند.

### شرکت در جلسه شیعیان لبنان

شب بعد از اتمام سخنرانی، همراه تنی چند از دوستان به سالنی می‌روم که شیعیان حزب‌الله لبنان اجاره کرده‌اند. شیخ رکابی از وعاظ لبنانی و عرب زبان در حال سخنرانی بود. بیش از یک هزار نفر زن و مرد در سالن شرکت داشتند و جوانهای لبنانی دو طرف پله ورودی سالن صف کشیده بودند. وقتی من داخل سالن شدم، برای لحظه‌ای همه صداها قطع شد و شیخ رکابی سکوت کرد و حاضران در مجلس همصدا و با طنین منظم به پیامبر صلوات فرستادند و من روی صندلی قرار گرفتم.

شعبه‌های عرب تبار بجز این تشکل، مرکز المصطفی و مرکز الامام زین العابدین را نیز در اختیار دارند که در ۵۸ کارل مارکس (Karl Mars) برلین قرار دارد. شیخ احمد صالح و مقری حسینی شیخ ابوعلی جلی در این مرکز در طول دهه محرم مجلس سخنرانی و عزاداری داشتند.

### بازدید از کتابخانه مرکزی برلین

صبح روز دوشنبه خودم را به رایزنی ایران رساندم و با دکتر «Hhmed Hries» مسلمان آلمانی آشنا شدم، کمی به زبان انگلیسی درباره سمینار حقوق بشر که قرار بود در برلین تشکیل شود صحبت کردیم و همراه ایشان و دکتر رستگارفر برای بازدید از کتابخانه مرکزی برلین از رایزنی خارج شدیم. آقای طریقت پیشاپیش با دکتر «Eva-Maria Freytag» مسئول بخش ایران‌شناسی و دکتر «Hartmut - ortwin Feistel» مسئول دپارتمان مخطوطات گفت و گو کرده بود و آن دو در مدخل ورودی کتابخانه منتظر ما بودند. این کتابخانه نزدیک به ۳۵۰ سال پیش پایه‌گذاری شد و هم اکنون ده میلیون جلد کتاب، ۴۰ هزار نسخه خطی، ۲/۳ میلیون میکروفیش و میکروفیلم و ۱۳/۵

میلیون عکس و تصویر در آرشیو خود دارد و ۱۸۰ هزار جلد روزنامه‌های قدیمی، ۴۰۰ مجلد و ۳۸۰۰۰ سری تکنگاری Monographi، ۹۶۰/۰۰۰ نقشه و اطلس، ۴۵۰/۰۰۰ نت موسیقی، ۱۴۰۰ نسخه خطی آرشیو شخصی و ۶۶۳۵۰ اتوگرافی موسیقی در اختیار دارد. از مجموعه ۴۰/۰۰۰ نسخه موجود در این کتابخانه نزدیک به ۳۰۰۰ نسخه کتابهای فارسی است.

با راهنمایی دکتر اورتون در بخش مخطوطات که مثل گنجینه جواهرات از آنها حفاظت می‌شود یک نسخه شاهنامه و تعدادی از تابلوهای تک‌برگ مینیاتور دوره تیموریان هند را دیدیم. نسخه شاهنامه ۹ میلیون یورو قیمت‌گذاری شده است.

دکتر اوان ماریا نزدیک به دو ساعت ما را در بخشهای مختلف کتابخانه چرخاند و درباره هر بخش توضیح داد. او با اینکه به سنین بازنشستگی نزدیک شده بود، با خوشرویی و دقت بسیار، اطلاعات خود را در اختیار ما می‌گذاشت. دیدن سالن مرکزی کتابخانه با دهها سالن مطالعه، انسان را مبهوت می‌کند. این کتابخانه بخشهای مختلفی دارد؛ مثلاً دپارتمان اروپای شرقی، دپارتمان مبادلات بین‌المللی،

دپارتمان جنوب شرقی آسیا، دپارتمان نسخ خطی، دپارتمان موسیقی، دپارتمان کودکان و جوانان، دپارتمان نقشه، دپارتمان شفاهی، همه در شمار دپارتمانهای گوناگون این کتابخانه هستند که بیشترین امتیاز و ارزش علمی را در اتحادیه اروپا دارند.

به پیشنهاد دکتر اوان ماریا دفتر یادبود کتابخانه را در اختیار می‌گیرم و نصف صفحه‌ای با خط خوش دریافت مثبت خودم را از این بازدید بر روی کاغذ می‌آورم و در پایان می‌نویسم: «مدیر گروه تراجم و انسب بنیاد پژوهشهای اسلامی و عضو هیأت علمی دائرة المعارف آستان قدس رضوی». ایشان از دکتر رستگارفر می‌خواهد تا نوشته مرا ترجمه کند.

### توحش در بطن تمدن

در بازگشت، دکتر رستگارفر ابتدا مرا با ماشین رایزنی به مرکز می‌رساند. در راه چشمم به یک پوستر بزرگ زنی می‌افتد که با موهای آشفته و نیم‌خیز و نیمه عریان نشان داده شده و بالای سر او چگونگی بازگشت انسان متمدن به توحش نشان داده شده است. سوژه این پوستر که به منظور اشاعه مدلی جدید چاپ شده بازگشت به خود وحشی است. ما به نوعی افول فرهنگ

و تمدن غرب را در اوهام و تخیلات آنها، و نیز دامن زدن به شهوات راکه در سینماها و کباب‌ها و هنرهایشان موج می‌زند می‌توانیم مشاهده کنیم. در فرهنگ امروزی آلمان عاطفه معادل ندارد، عاطفه و محبت به پول می‌رسد. به نظر می‌رسد عشق به هرزگی کشیده شده است. انسانها در مذبح سرمایه‌داری از پا در می‌آیند و متأسفانه فریادشان هم به جایی نمی‌رسد.

آلمان غربی تا زمانی که با آلمان شرقی درگیر بود، به مردم رسیدگی می‌شد تا تمایز در جهان شرق و غرب بیشتر نمود پیدا کند، ولی از زمانی که وحدت دو آلمان پیش آمد و بلوک شرق از هم فرو پاشید، مردم به لحاظ اقتصادی در تنگنای بیشتری قرار گرفتند.

روز چهارشنبه به سراغ مرکز انتشاراتی «Hugendubel» می‌روم. این مرکز از سال ۱۸۶۷م دایر شده است و امروزه دختر هوگن دوئل آن را اداره می‌کند. این شرکت انتشاراتی بیش از ۶۰ نمایندگی در آلمان و کشورهای دیگر دارد. ساختمان مرکزی آن یعنی همین ساختمان که مورد بازدید ما قرار گرفت اجاره‌ای است و ماهیانه ۴۰۰/۰۰۰ یورو اجاره بهای آن به صاحب یهودی‌اش به نام «Good Man» پرداخت می‌شود و او ثروتمندی است که تعداد

زیادی از این گونه بناها را در برلین در اختیار دارد. این انتشاراتی مردمی‌ترین انتشاراتی اروپاست، چون به مراجعان اجازه می‌دهند تا از همه کتابهای این کتابفروشی جهت مطالعه ضمن نشستن روی راحتی‌ها و صرف چای استفاده کنند. در این کتابفروشی کتابهای آمریکا یا روم جدید نوشته «Peter Bender» و حباب صابونی نوشته «Geoaei Soros» و دروغ کاپیتالیستی نوشته «Ai Franken» در نقد سیاستهای آمریکا، روی میز جدیدترین کتابها خودنمایی می‌کند.

### تسلط صهیونیست

در واقع بخشی از اقتصاد آلمان در دست صهیونیست‌هاست. آنها هنوز گوساله سامری را می‌پرستند. آنها برای اینکه منافع درازمدتشان تأمین شود فساد را تا اعماق جامعه وارد کرده‌اند. باید به یاد داشت که دارندگان اصلی سینما مکس و نوزده سالن آن و سالنهای سینمایی دیگر برلین در اختیار صهیونیست‌هاست. آنها کانالهای تلویزیونی زیادی نیز در اختیار دارند. یکی از کارهای تبلیغاتی یهود، عادی‌سازی فحشا و فساد برای زن و مرد و همه خانواده‌هاست.

صهیونیسم انسانها را به فردگرایی (Individualism) فرا می‌خواند و این آدمهای منفرد که رابطه‌شان با خانواده و محیط بریده شده است می‌توانند به ایادی قدرت تبدیل شوند و اگر به جنگی فرستاده شدند، کسی نیست که دل‌نگران آنها باشد و اگر مردند برایشان اشک بریزد؛ گونه دیگری از جامعه حبابی.

آیا نظام سرمایه‌داری مردم غرب را برای جنگ آماده می‌کند یا برای صلح؟ چه کسی می‌اندیشد؟ چه کسی زندگی می‌کند؟ آیا روزی هیستوریسیسم هگل دامن آلمان را نخواهد گرفت؟ آیا چنان که او می‌گوید، ارباب خدای تاریخ از روی اجساد کشته شدگان نخواهد گذشت؟ چه کسی آن وقت می‌تواند از چنین فاجعه‌ای جلوگیری کند؟

یهود از همه چیز برای رشد درآمدهای خود بهره می‌گیرد. حتی از فحشا، قمار، دانس، جنگ و شراب. کنیسه‌ها در مراکزی قرار گرفته‌اند که پیرامون آنها انباشته از کاباره، دانسینگ، روسپی‌خانه و شرابفروشی است. به ویژه پیرامون کنیسه مرکزی که قدیم‌ترین کنیسه موجود در اروپاست، افراد بدکاره و دزد و مست در رفت و آمدند. امروزه به نظر می‌رسد یهودی سرگردان معنی ندارد. همه پیکره یهود با

صهیونیسم پیوند خورده و در حال توسعه و گسترش است. بنی اسرائیل دیگر به فراعنه امروز تبدیل شده‌اند. سوگمندان رسانه‌ها اجازه به نمایش گذاشتن این همه فساد را ندارند، بسیاری از صداها در گلو خفه می‌شود. مادر چنین شرایطی بایسته است به حقانیت خود باور داشته باشیم و جنبه‌های ناپیدای انسان‌گرایی اسلامی و ایران را چون سفره‌ای بزرگ پیش روی همه ملتها باز کنیم. طعم و رایحه خوش معنویت ما می‌تواند ذائقه‌ها را به خود جلب کند و حتی هنر چشایی و پسند مردم غرب را دگرگون سازد، البته اگر اعمال و رفتار اجتماعی و داد و ستدمان بر طبق موازین اسلام باشد.

### فرهنگ آلمان قدیم و امروز

تنگ غروب است که به مرکز فرهنگی ایرانیان برمی‌گردد و پس از ایراد سخنرانی، دیروقت به خواب می‌روم. صبح زود از خواب بلند می‌شوم. ساعت ۸ صبح مثل همه روزهای دیگر ناقوس کلیسا به صدا درمی‌آید. از دور، نمای برج مخروطی شکل کلیسا به چشم می‌خورد. در برلین و به طور کلی آلمان، هزاران کلیسا وجود دارد که نشانی از روحیه مذهبی

مردم گذشته است. کلیسای جامع از آن کاتولیکهاست و به آن «دم» گفته می‌شود و در هر شهری یک کلیسای جامع وجود دارد. چندی قبل قیلمی مستند به نام «سه شاه مقدس» در کانال یک آلمان پخش شد. موضوع فیلم جریان حضور سه فرد تأییدکننده رسالت مسیح در زادگاه اوست. در این فیلم آمده است که یکی از سه فرد تأییدکننده، ایرانی بوده است.

روز پنجشنبه در حال بازدید از کتابفروشیهای برلین با خود فکر می‌کنم دیگر از آن اندیشه‌های بزرگ در آلمان خبری نیست و آلمان که در سده‌های هجده، نوزده و بیستم میلادی بزرگ‌ترین فیلسوفان نظام‌پرداز و دارای دستگاه فکری یکپارچه را در خود پروراند و متفکرانی مانند ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م)، گئورگ ویلهلم، فریدریش هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱م)، کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳م)، فریدریش نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰م)، ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸م) و مارتین هایدیگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶م) را به دانش بشری تحویل داد، اما امروزه رویکرد به تکنولوژی را جانشین اندیشه‌های بزرگ کرده است و انسانهایش نیز

به تکنیک نزدیک‌تر شده‌اند تا حکمت و دین، به طوری که صنعت و پول، حرف اول را در زندگی مردم آلمان می‌زند و بعد سِکس، سگ و سفر، چونان سه الهه مقدس، بر ذهن بیشتر مردم حکم می‌رانند. تأثیر آمریکا در اروپا به‌ویژه در آلمان پس از جنگ دوم بسیار گسترش یافته است.

آنچه مسلم است مردم آلمان به زندگی بسیار بها می‌دهند. همه کوشش آنها برای این است که بتوانند خوش باشند و از لذایذ زندگی بهره ببرند. از نظر آنها زندگی هدیه خداست، ولی گامهایی را برداشته‌اند که شعله زندگی را می‌تواند خاموش کند. کنترل مردم سبب تنهانشینی آنها شده و ساختار خانواده درهم شکسته شده و مرد به عنوان نان‌آور خانه جایگاه خود را به کلی از دست داده است. دادگاهها بیشتر از زنان و کودکان و نوجوانان جانبداری می‌کنند و مردان هیچ تسلطی بر زندگی خود ندارند. در مقابل، زنان می‌توانند روابط جدیدی داشته باشند و فرزندان تحت نظارت والدین خود نیستند. مدارس و دبیرستانها و باشگاههای ورزش مختلط، ارتباط جنسی را به بالاترین سطح رسانده است. در تابستانها زنان نیمه برهنه هستند.

### نگاه کلی به آلمان

جمعیت برلین در روز ۴ میلیون و در شبها ۳ میلیون نفر است و کل جمعیت این کشور فراتر از ۸۰ میلیون نفر می‌باشد. مجلس آلمان (رایشستاگ) نزدیک دروازه برلین (Brandenburger) قرار دارد. گفته می‌شود هیتلر دستور به آتش کشیدن رایشتاگ را صادر کرد و بعد برای نشان دادن اقتدار خود آن را بازسازی کرد و امروزه رایشتاگ بهتر از اول است. در نزدیکی رایشتاگ بنای یادبود قربانیان یهود در حال ساخت است. قرار است این بنا در تاریخ ۸ می ۲۰۰۵ به مناسبت شصتمین سالگرد جنگ جهانی دوم افتتاح گردد. ولفگانگ تیرزه رئیس مجلس فدرال آلمان این مسئله را در مراسم آغاز بنای این مرکز یادبود در برلین اعلام نمود. زمین این بنا به وسعت ۲۰ هزار متر مربع در اطراف رایشتاگ که در آخرین لحظه‌های جنگ جهانی دوم صحنه درگیریهای نظامی شدیدی بین نیروهای متفقین و ارتش آلمان بود، با هزینه‌ای بالغ بر ۲۷ میلیون یورو بنا خواهد گردید. طراحی مرکز یادبود قربانیان یهود توسط پتر آیزنمان، آرشیتکت آمریکایی صورت گرفته است که بر اساس آن قرار است ۲۷۰۰ سنگ بتونی با اندازه‌های متفاوت در

محل مزبور احداث گردد. همچنین قرار است یک بنای زیرزمینی با عنوان مکان اطلاعات پیرامون عملکرد حکومت ناسیونال سوسیالیسم در خصوص یهود اروپا به اطلاع‌رسانی اقدام نماید. شب و روز دستگاههای مکانیکی در حال فعالیت هستند. این فضای خالی در شمار فضاهای خالی است که پس از تخریب دیوار معروف برلین بازیافت شده است.

دانشکده هومبولت به عنوان دانشکده تخصصی در فلسفه، و موزه عظیم و مرکزی برلین به نام موزه برگامون در حالی که دیوار بابل و سربازان گارد جاویدان و آثار مسجد کبود تبریز را در کنار هزاران هزار اثر دیگر در شکم خود بلعیده است، در کنار انبوه زیادی از بناهای زیبا با معماری متأثر از معماری یونانی و رومی

در مرکز شهر خودنمایی می‌کند.

روز جمعه پس از ۱۲ روز اقامت و سخنرانی در برلین به هامبورگ برمی‌گردم و پس از دیدار با حجة الاسلام نوربخش، ایشان نیز مانند شیخ صباح الدین خوجه شیعه‌های ترکیه مقیم برلین و دکتر عارف‌پور مسئول مرکز اسلامی - فرهنگی ایرانیان برلین، نامه‌ای همراه می‌کنند تا من با انتقال آن به معاونت محترم تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی، کتابهای اهدایی آستان قدس را به آلمان بفرستم.

روز یکشنبه ۱۷ اسفند ۸۲ پس از دیدار و خداحافظی با حجة الاسلام والمسلمین قائم مقامی نماینده مقام معظم رهبری در آلمان، با هواپیمای ایرباس ایران ایر برمی‌گردم.

①